نگاه

از بیروت تا بغداد؛ امنیتی که تأمین نمی‌شود

در یک ایست بازرسی در وسط بیروت، مأموری کامیون کوچکی را بازرسی می‌کند تا مطمئن شود خالی از مواد منفجره است. این ایست بازرسی در فاصله صد متری ساختمان پارلمان قرار دارد و مأمور از دستگاه‌هایی برای این کنترل استفاده می‌کند که می‌گویند «بی‌خاصیت است». مأمور به کنار کامیون می‌رود، دستگاهش را با مشتی سیم پلاستیکی سیاه در دست گرفته و بعد از گردش پیرامون کامیون به راننده اجازه می‌دهد عبور کند. در ساحلی که معمولا قایق‌های ثروتمندان پهلو می‌گیرند یا در مدخل ساختمانی تجاری که انتظار عبورومرور خودروها را می‌کشد، همین ماجرا در حال تکرار است. مأمورانی با دستگاه‌هایی مشابه. این قبیل تفتیش‌ها تقریبا ۱۰ سال است در همه‌جای خاورمیانه رایج شده و تاکنون هزاران دلار برای خرید این دستگاه‌ها خرج شده است. به این امید که جلو انفجارهای مرگبار گرفته شود.

این دستگاه‌ها در بازار تحت نام‌هایی مانند «ای.دی.ای ۶۵۱» یا «جی. تی۲۰۰ » یا «الفا» فروخته می‌شوند و وظیفه‌شان این است که مواد منفجره را کشف کنند. در سال ۲۰۱۰ بریتانیا صدور دستگاه‌های دو نوع اول را ممنوع کرد و هشدار داد که این دستگاه‌ها توهمی بیش نبوده و به‌همین‌دلیل احکام زندان را برای کسانی برید که میلیون‌ها پوند از این راه به دست آورده بودند.

بااین‌حال حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق که کشورش صدها نمونه از این دستگاه را خریده بود، هیچ اقدامی برای عدم استفاده از آنها نکرد تا اینکه یک کامیون پر از مواد منفجره در مرکز بغداد منفجر شد و ۲۹۲ نفر را به کشتن داد. در آنجا هم برای کنترل خودروها از همان دستگاهی استفاده شده بود که در لبنان، سوریه، مصر و... استفاده می‌شد.

یک دانشمند که روی این دستگاه‌ها کار کرده، می‌گوید: «اینها هیچ اساس علمی‌ای ندارند. اگر کسی برای کنترل مواد منفجره به اینها دل‌خوش کرده باشد، مسخره است. عاقلانه نیست که از هیچ‌کدام از این دستگاه‌ها استفاده شود».

موارد بی‌ارزش

در مصر یک سرباز با غرور خاصی از همین دستگاه‌ها برای تفتیش خودروها در رأس سدر، واقع در صحرای سینا استفاده می‌کند. سرهنگ «محمد سمیر»، سخنگوی نظامی مصر، می‌گوید هر دستگاهی را که مصر می‌خرد، قبل از خریدن کاملا آزمایش می‌کند. در دمشق، پایتخت سوریه، در پنج سال گذشته انفجارهای متعددی به وقوع پیوست حال آنکه شما نگهبانان را در خارج از هتل یا ساختمان‌های دولتی می‌بینید که از همین دستگاه‌ها استفاده می‌کنند.

یک‌بار در بیروت انفجاری انتحاری رخ داد که ۴۴ نفر را کشت. مقامات رسمی از هرگونه توضیحی در این‌باره خودداری کردند، اما یک نگهبان گفت دستگاهش کار می‌کرده و فهمیده که یک چیزی در خودرو مخفی شده، اما نمی‌دانسته که حاوی مواد منفجره است. «دان کازیتا»، عضو شورای مدیریتی یک شرکت امنیتی در لندن، می‌گوید هیچ دستگاهی وجود ندارد که بتواند از طریق هوا مواد منفجره را رصد کند. به گفته او، «طبق تکنولوژی کنونی هیچ چیزی وجود ندارد که با هر درجه دقتی، شما آن را به دست بگیرید

و از فاصله دور بتوانید مواد منفجره را تشخیص بدهید. چنین چیزی اصلا وجود ندارد». یک کارشناس جنایی نیز می‌گوید استفاده از چنین دستگاه‌هایی فقط برای کمین و فریب است.

گفته می‌شود برخی از کسانی که این دستگاه‌ها را خریده بودند تاکنون از آن استفاده نکرده‌اند؛ برای مثال نیروی حافظ صلح در جنوب لبنان (یونیفل) تعدادی از این دستگاه‌ها را خریدند اما فورا متوجه شدند، پولشان را هدر داده‌اند.

«جیم مک‌کورمک»، بازرگان بریتانیایی که شرکتش این دستگاه‌ها را فروخته بود، در سال ۲۰۱۳ به زندان افتاد. بریتانیا صدور این دستگاه‌ها را به عراق، افغانستان یا هرجای دیگری ممنوع کرد. قاضی‌ای که حکم زندان را برای او صادر کرده بود، می‌گوید: «هزینه ساخت این دستگاه‌ها بیش از ۵۰ دلار نبود، اما مک‌کورمک هفت‌هزار دستگاه را به قیمت‌های بین دوهزارو ۵۰۰ الی سه هزار دلار فروخته بود. یک آمار اولیه نشان داد که در مدت سه سال، ۳۸میلیون دلار از این دستگاه‌ها به عراق فروخته شده است. به گفته قاضی، رفتار حیله‌گرانه مک‌کورمک طوری بود که کمک می‌کرد تا یک حس کاذب امنیتی به وجود آید، اما همین حس کاذب خیلی‌ها را به کشتن داد.

در عراق حتی بعد از فرمان العبادی، این دستگاه‌ها در استان‌های صلاح‌الدین و دیالی استفاده می‌شود. یک فرمانده پلیس صلاح‌الدین می‌گوید هنوز دستور کتبی برای استفاده‌نکردن از این دستگاه‌ها دریافت نکرده است. دیگری در دیالی می‌گوید، سربازانش خود این دستگاه‌ها را امتحان کرده‌اند. یک‌بار مسلسل و بمبی را در خودرویی گذاشتند، اما دستگاه هیچ چیزی را نشان نداد. «رعد شلال» که یک ستوان پلیس در ایست بازرسی نزدیک شهرک الخالص، واقع در استان دیالی است، می‌گوید، می‌داند که این دستگاه‌ها بی‌خاصیتند. او می‌افزاید: «با همکارش داشتن خودروها را با همین دستگاه چک می‌کردند، اما این دستگاه‌ها بیش از اینکه کشف‌کننده باشند، آدم را به وحشت می‌اندازند».

«احمد البشیر» که یک کمدین است، در تلویزیون العراقی فکر استفاده از این دستگاه‌ها را به تمسخر گرفت و گفت، این دستگاه‌ها اگر نتوانند جلو مواد منفجره را بگیرند، حداقل جلو منفجرکنندگان را می‌گیرند! او در برنامه‌اش گفت: «درست است. ما خودمان این دستگاه‌ها را در کل کره زمین آزمایش کردیم، اما هیچ‌کدام‌شان کار نمی‌کرد، ولی ما باز هم از اینها استفاده می‌کنیم تا تروریست‌ها را بترسانیم. چون آنها هم می‌دانند که اینها کار نمی‌کنند».

او در یک برنامه مفصل، اظهارات تعدادی از سیاست‌مداران عراقی ازجمله نوری‌المالکی را پخش کرد که گفت: «سری‌های اول خوب کار می‌کرد، ولی سری‌های بعد دیگر کار نکرد».

منبع: رویترز عربی

نگاهی به مدارس وابسته به جنبش «حزمت» در بیش از ۱۰۰ کشور جهان

امپراتوری جهانی فتح‌الله گولن

ترجمه: محمدعلی عسگری

سال‌ها پیش از مردی به نام «فتح‌الله گولن» سخن به میان آمد که به‌نوعی پدر فکری و معنوی حزب «عدالت و توسعه» و به تبع آن «رجب طیب اردوغان» و «عبدالله گل» و «احمد داوود اوغلو» و... حتی روشنفکران دینی ترکیه معرفی می‌شد. بعدها معلوم شد او تقریبا فاقد هرگونه تئوری خاص در این زمینه است و بیشتر به یک واعظ سنتی شباهت دارد که طرفدارانی برای خودش دست‌وپا کرده است. بعدتر معلوم شد بین او و اردوغان خصومتی شدید به وجود آمده است و رئیس‌جمهوری ترکیه از او به عنوان یک «دولت در سایه» یاد می‌کند؛ اما این حقیقت داشت؟ دست‌داشتن جماعت گولن در کودتای نافرجام ترکیه یک بار دیگر چشم‌ها را بازتر کرد. ظاهرا گولن فراتر از همه تصوراتی باید باشد که درباره‌اش می‌رفت و می‌رود. اکنون معلوم شده او برای خود امپراتوری پهناوری دارد که عمدتا بر دوش دانش‌آموزان غربت‌زده استوار است؛ قدرتی شگرف که با شیوه‌های فراماسونری در سراسر جهان پخش شده و هنوز بسیاری از ابعاد آن ناشناخته است. آیا دراین‌باره اغراق نمی‌شود؟ آیا این تبلیغات مشخص اردوغانی نیست که چنین تصوری را به ذهن می‌آورد؟ آنچه می‌خوانید، گزارش مفصلی است که خبرنگاران روزنامه الشرق‌الاوسط در ترکیه، پاکستان، عربستان، عراق، روسیه، آمریکا، انگلستان و... به صورت جمعی درباره امپراتوری گولن تهیه کرده‌اند.

به دنبال کودتای نافرجام در ترکیه که جهانیان را غافلگیر کرد، دولت ترکیه دست به یک پاکسازی گسترده در همه نهادهای حکومتی از ارتش گرفته تا دستگاه قضائی و پلیس زد و به طور مشخص طرفداران جنبش «حزمت یا خدمت» وابسته به فتح‌الله گولن، روحانی ترک‌تبار ساکن آمریکا را از کار برکنار کرد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه این گروه را مسئول کودتای اخیر دانسته و از آن به‌عنوان یک «دولت موازی» یاد می‌کند.

جنبش «حزمت» یک تشکیلات مرموز است که خود را با صفت «اسلام میانه‌رو» به غرب معرفی می‌کند و می‌کوشد تا خود را وابسته به «گذشته باشکوه ترکیه با عطر آتاتورکی» دانسته و به این وسیله ترک‌ها را به خود جذب کند. این جنبش به دلیل متمرکزبودنش بر ابزارهای نرم مثل رسانه، آموزش و نخبگان از سوی یکی از پژوهشگران امور ترکیه، به «فراماسونری اسلام‌گرایی» معروف شده است. اقدامات ترکیه علیه مدارس و نهادهای گولن فقط پیامد کودتای نافرجام اخیر نیست؛ بلکه با مطرح‌شدن پرونده فساد و رشوه‌گیری و تحقیقات درباره مسئولان دولتی در ۱۷ و ۲۵ دسامبر ۲۰۱۳ بود که این ماجرا آغاز شد.

در اینجا ضمن پرداختن به اقداماتی که تاکنون علیه این تشکیلات شده، ابعاد گسترده فعالیت‌های گولن را باز کرده و در نهایت می‌خواهیم به پاسخ این سؤال برسیم که آیا واقعا امپراتوری گولن مرده است؟

هدف جنبش حزمت که فتح‌الله گولن آن را در سال ۱۹۷۱ تأسیس کرد، ابتدا خدمت به دانش‌آموزان بود و شعار مبارزه با «بیماری‌های سه‌گانه یعنی جهل، فقر و تفرقه» را سرلوحه کار خود قرار داد. برای همین ابتدا همه تلاش خود را برای ساخت مدارس، مراکز آموزشی و خوابگاه‌های دانش‌آموزی متمرکز کرد و همه دغدغه‌اش مسائل آموزشی و تربیتی بود و به‌همین‌دلیل جنبش خدمت نامیده شد. بعدها این گروه در ده‌ها سال به یک امپراتوری بزرگ نه‌فقط در سطح مدارس، بلکه در سطح آموزش، اقتصاد، مؤسسات مالی و رسانه‌ای و... تبدیل شد؛ حتی در موضوع مدارس این جنبش به یک امپراتوری بزرگ تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که الان از هزاران مدرسه در داخل ترکیه و هزاران مدرسه در بیش از صد کشور جهان صحبت می‌شود که به‌نوعی وابسته به این جنبش بوده است.

این جنبش در بخش آموزش فعالیت کرد و تجار وابسته به آن، هزار مدرسه را در مناطق مختلف ترکیه و دو هزار مدرسه را در بیش از صد کشور جهان به‌ویژه در کشورهای آفریقایی تأسیس کردند. ازآنجاکه این مدارس خدمات سطح بالایی را ارائه می‌دادند، موفق شدند فرزندان نخبگان را در این کشورها به خود جذب کرده و در کنار آموزش به دانش‌آموزان ممتاز و فقیر نیز بورس تحصیلی بدهند؛ همچنین این جنبش از طریق حفر چاه‌های آب، ارائه کمک‌های غذایی و پزشکی و دادن بورس تحصیلی توانست در جوامعی که فعال است، نفوذ خود را گسترش دهد.

عملیات امنیتی ترکیه در پی کودتای نافرجام علیه هزار مدرسه و مؤسسه آموزشی، ۱۵ دانشگاه و ۱۰۹ خوابگاه، در کنار هزارو ۱۲۵ انجمن خیریه ازجمله انجمن «هل‌من مغیث» (آیا فریادرسی هست)، شروع شد. این انجمن کمک‌های انسانی و غذایی را در مناطق جنگی و فقیر در سراسر جهان توزیع می‌کرد؛ همچنین ترکیه علیه ۳۵انجمن پزشکی و ۱۹ سندیکای تخصصی مشاغل دست به اقدامات امنیتی زد.

براساس آخرین آماری که «عصمت ییلماز»، وزیر آموزش ترکیه، داد، مقامات این کشور مجوز شغلی ۲۷هزارو۲۴۲ نفر از کارکنان بخش آموزش ازجمله ۲۱ هزار معلم را که در مدارس وابسته به جنبش گولن فعالیت داشتند، لغو کردند؛ کمااینکه شورای آموزش عالی ترکیه نیز اعلام کرد پنج‌هزارو ۳۴۲ استاد دانشگاه و کارمند ادارات که در دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های وابسته به گولن و دیگر مراکز آموزش عالی کار می‌کردند، اخراج شده‌اند.

حمله به مدارس و مؤسسات آموزشی گولن یا مؤسسات نزدیک به او، زاییده کودتای نافرجام در نیمه ماه جولای نبود؛ بلکه با شروع افشاگری علیه فساد و رشوه‌خواری مقامات دولتی در دسامبر سال ۲۰۱۳ شروع شد. رجب طیب اردوغان همان زمان و پیش از اینکه در آگوست سال ۲۰۱۴ به عنوان رئیس‌جمهوری انتخاب شود، این تشکیلات را با یک «دولت موازی» خطاب کرد و گفت هدف این تشکیلات سرنگونی دولت اوست.

به‌دنبال آن، دولت سلسله‌اقداماتی را علیه مؤسسات گولن شروع کرد و از سوی دیگر وزیر خارجه ترکیه نیز در خارج به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تماس‌های دیپلماتیک خود تلاش کرد مدارس و مؤسسات وابسته به جنبش گولن را مسدود کند؛ اما تلاش دولت ترکیه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به‌ویژه نزد کشورهایی که این مؤسسات در آنها فعال بودند، چندان بازخوردی نداشت.

مخالفت و استقبال

در پی کودتای نافرجام اخیر، ترکیه تلاش دیپلماتیک خود را تشدید کرده و برخی کشورها از این تلاش استقبال کرده‌اند؛ برای مثال اردن یک مدرسه وابسته به این جنبش را تعطیل کرد و آذربایجان، سودان و لیبی همه مدارس وابسته به گولن را تعطیل کردند. سومالی و پاکستان نیز وعده بررسی وضعیت ۲۴ مدرسه را دادند، این ۲۴ مدرسه ۲۱ سال پیش از سوی بازرگانان تأسیس شده بود.

همچنین قزاقستان در سفر رئیس‌جمهور این کشور به ترکیه وعده داد این مسئله را بررسی خواهد کرد. پیش از آن «نوزات اوبانیک»، سفیر ترکیه در قزاقستان، درباره مدارس مذکور هشدار داده و گفته بود این مدارس هیچ ارتباطی با دولت رسمی در ترکیه ندارند و وزارت آموزش قزاقستان نیز گفته بود این مدارس با قوانین دولت این کشور اداره نمی‌شوند.

اما آلمان با نظارت بر مدارس گولن موافقت نکرد و نیجریه و مصر نیز با بستن این مدارس که بیش از ۲۰ سال است در این کشورها فعالند، مخالفت کردند. آمریکا نیز که حدود ۲۰۰ مدرسه و مرکز آموزشی و فرهنگی گولن در آنجا فعالیت می‌کنند با بستن این مدارس مخالفت کرد، زیرا به گفته آنها از اساس این مدارس و مؤسسات زیر نظر قانون آمریکا فعالیت می‌کنند که به اوقاف ادیان مختلف اجازه تأسیس مدارس را می‌دهد.

قرقیزستان نیز که نقطه تمرکز مهمی برای جنبش گولن در آسیای میانه به شمار می‌رود با درخواست وزارت خارجه ترکیه مبنی بر بستن مدارس گولن مخالفت کرد و گفت این کشور حاکمیتی مستقل دارد و دستورات وزیر کشور یک دولت خارجی را نمی‌پذیرد.

ترکیه هنوز به تلاش‌های دیپلماتیک خود برای مهار جنبش گولن در خارج از کشور ادامه می‌دهد. «مولود چاووش‌اوغلو»، وزیر خارجه ترکیه، یک بار گفت ۱۵ نهاد وابسته به گولن یا همان دولت موازی در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی و تجاری در ژاپن فعالیت می‌کنند و از توکیو خواست فعالیت این نهادها را متوقف کند، زیرا خطری برای امنیت و ثبات این کشور است.

ممنوعیت در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس

دولت ترکیه می‌گوید عربستان با بازکردن مدارس وابسته به گولن در داخل سرزمین خود مخالفت کرده است. حتی گفته می‌شود معلمان وابسته به این جنبش که در عربستان شناسایی شدند، درصدد برآمدند خود را در مدارس وابسته به دولت یا مدارس مخصوص اتباع ترکیه جای دهند. این مدارس مجوز لازم را از وزارتخانه‌های آموزش‌وپرورش ترکیه و عربستان دریافت کرده است. در همین زمینه «فکرت اوزر»، کنسول ترکیه در جده، به روزنامه الشرق‌الاوسط گفت دولت ترکیه سال گذشته ۲۲ نفر را شناسایی کرد که وابسته به جنبش گولن بودند و شامل کارمندان یا معلمانی می‌شدند که در هشت مدرسه ترکیه‌ای در عربستان فعالیت می‌کردند. عربستان می‌گوید این افراد بعد از آنکه از گرفتن مجوز افتتاح مدارس از سوی عربستان نومید شدند، به مدارس تابع دولت ترکیه ملحق شده‌اند، کسی هم رویکردهای آنان را که ضد حکومت مشروع در ترکیه بود، برملا نکرد.

چنانکه اوزر می‌گوید، دولت ترکیه بعد از آن تصمیم گرفت «معلمان دارای افکار انهدامی و وابسته به گولن» را از کار برکنار کند. سال گذشته بود که این معلمان به‌اصطلاح وابسته به یک دولت موازی به ترکیه بازگردانده شدند. او تأکید می‌کند «به‌محض کشف حقیقت وابستگی‌شان، از کار برکنار و به ترکیه بازگردانده شدند».

اوزر تأکید می‌کند عربستان سعودی و ترکیه به‌شدت علاقه‌مند هستند هیچ‌یک از افراد مشغول در مدارس ترکیه در عربستان وابسته به این تشکیلات نباشند و اگر وابستگی یکی از آنها کشف شد، فوری از کار برکنار و به ترکیه بازگردانده شوند. نکته درخورتوجه اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس اجازه تأسیس چنین مدارسی را در خاک خود نمی‌دهند. هرچند امارت‌نشین ابوظبی یک بار چنین اجازه‌ای را داد، اما بعد از دو سال آن را لغو کرد و کادری که در آنجا مشغول به کار بودند به ترکیه بازگردانده شدند.

بااین‌حال کنسول ترکیه تأکید می‌کند فتح‌الله گولن توانست چهار مدرسه را در یمن باز کند؛ اما با آغاز جنگ فعالیت آنها متوقف شد؛ از بین این مدارس، سه مدرسه در صنعا و یکی در یمن فعالیت داشت که هنگام جنگ کارکنانش به ترکیه بازگشتند.

فعالیتی پیچیده

سال ۲۰۱۱ روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی به بررسی پدیده جدیدی در فضای مدارس خصوصی از جمله مدارس اسلامی تأسیس‌شده در چند ایالت آمریکا پرداخت. عنوان این گزارش «مدارس ویژه‌ای در تگزاس که با یک جنبش مذهبی در ترکیه ارتباط دارند» بود. براساس این گزارش بیش از ۱۲۰ مدرسه ترکیه‌ای وجود داشت که ۳۳ مورد از آنها در ایالت تگزاس بود. همان زمان یک روزنامه دیگر به نام «فیلادلفیا انکوایرر» نیز فاش کرد ۲۰ مدرسه دیگر در ایالت پنسیلوانیا وجود دارد؛ گولن در این ایالت ساکن است؛ اما گزارش مزبور به او نپرداخته بود؛ البته در این روزنامه قید شده بود «مدارس ترکیه‌ای» با معلمان خارجی اداره می‌شوند. این معلمان به‌ویژه از ترکیه با داشتن پاسپورت ایالات متحده «HB1» برای کار موقت به آمریکا آمده‌اند.

دلیل انتشار این گزارش تحقیقاتی بود که «اف‌بی‌آی» با همکاری وزارت آموزش‌وپرورش فدرال انجام داد و موضوع آن فعالیت منفی در زمینه دادن این‌گونه پاسپورت‌ها بود. بازپرسان دریافتند معلمانی که به وسیله این گذرنامه‌ها می‌آیند بخش بزرگی از حقوق‌شان را به همان کسانی می‌دهند که آنها را دعوت کرده‌اند.

بااین‌حال تحقیقات به دو دلیل استمرار پیدا نکرد؛ یکی به دلیل اینکه مقامات آمریکایی نشانه‌ای مبنی بر «فعالیت تروریستی» در این بین پیدا نکردند و دوم اینکه دلیلی مبنی بر وجود «برنامه‌های تبلیغی» در مقررات مدرسه دیده نمی‌شد.

سال ۲۰۱۲، شهرت گولن زمانی زیاد شد که در یک گفت‌وگو در برنامه «۶۰ دقیقه» (تحقیقات روزنامه‌ای) ظاهر شد. آن‌زمان او اعلام کرد این مدارس نه‌تنها دینی که اسلامی هم نیستند. او وجود هرگونه ارتباط مستقیمی بین خودش و این نهادها را به کلی رد کرد. اسامی نهادهایی را که او اداره می‌کرد، به گفته خودش، عبارت بودند از: هارمونی (دوستی) و هاریزون (افق). او گفت اینها همه «اسامی غیراسلامی»‌ای است و افزود این مدارس در مناطق فقیرنشین تأسیس شده و مشغول تدریس ریاضیات و علوم هستند. اما مصاحبه‌کننده در خلال این برنامه گفت: «مخفی‌بودن این مدارس و گمنام‌بودن صاحبش، کسانی را تحریک کرده که می‌گویند ترکیه می‌خواهد بر آمریکا یا بر جهان، مسلط شود و دوباره همان خلافت اسلامی خود را شکل دهد». ماه گذشته روزنامه «وال استریت ژورنال» آمریکا، گزارشی را درباره مدارسی منتشر کرد که به صورت مستقیم با گولن در ارتباط بودند. «جوشوا هندریک»، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه «لولیولا» (ایالت مریلند) و نویسنده کتاب «گولن، سیاست‌های پیچیده یک اسلام اقتصادی در ترکیه و جهان»، گفت دلیل موفقیت این مدارس به معلمانی برمی‌گردد که به‌صورت داوطلبانه حاضر به کارکردن در اماکن دور (مثل کشورهای آفریقایی) می‌شوند و درعوض حقوق اندکی می‌گیرند. حتی آنها بخشی از درآمدهای خود را در جهت جنبش «حزمت» که اداره‌کننده این مدارس است، هزینه می‌کنند. بااین‌حال «به نظر می‌رسد افزایش نفوذ گولن در ترکیه و جهان موجب ایجاد تفرقه در بین آنها شده است».

گولنیست‌ها در فهرست افراط‌گرایان روسیه

در روسیه به پیروان گولن، گولنیست یا پیروان جنبش «نور گولار»، گفته می‌شود. اینها اوایل دهه ۹۰، در روسیه ظاهر شدند. زمانی که شرکت‌های وابسته به گولن، شروع به نفوذ در پروژه‌های اقتصادی و افتتاح مدارس آموزشی (اسلامی) در جمهوری‌های شوروی سابق پس از فروپاشی این کشور کردند.

در همین رابطه، گولن اوایل دهه ۹۰ قرن گذشته، مدارس زیادی را در جمهوری‌های روسیه از جمله: داغستان و تاتارستان و شهرهای بزرگی مانند مسکو و سن‌پترزبورگ تأسیس کرد. کمااینکه مدارسی نیز در شبه‌جزیره کریمه تأسیس شد. آن‌زمان کریمه بخشی از اوکراین بود و تعداد زیادی از تاتارها در آنجا زندگی می‌کردند.

اما فعالیت این مدارس و مراکز زیاد طول نکشید و در سال ۲۰۰۲، هیأت امنیت فدرال روسیه (کاگ‌ب سابق) گروه‌های وابسته به گولن را به «حمایت از گروه‌های مسلح در چچن و جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات به نفع دستگاه‌های یک سازمان اطلاعات خارجی» متهم کرد. «نیکولای پاتروچف» که مدیر این هیأت امنیتی در آن‌زمان بود، این مسئله را عنوان کرده است.

او گفته بود این گروه‌ها از طریق شرکت‌های تجاری و سایر مؤسساتی که در این کشور افتتاح کردند، فعالیت داشتند. به دنبال این اظهارات بود که ۲۰ شهروند ترکیه‌ای مرتبط با این گروه‌ها، بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ از روسیه اخراج شدند. در سال ۲۰۰۷ نیز ۴۱ معلم ترکیه‌ای به درخواست دادستان تاتارستان که عضو اتحادیه روسیه بود، این کشور را ترک کردند و جنبش «نورگولا» در فهرست جنبش‌های تندرو این کشور قرار گرفت. حتی در قلمرو ادبیات، بسیاری از مؤلفات بدیع‌الزمان النورسی ممنوع شد؛ زیرا این ادبیات براساس روش و اندیشه‌های فتح‌الله گولن شکل گرفته بود.

پاکستان... کردستان و عراق

در فاصله پاکسازی‌های اخیر ترکیه، یک سلسله مدرسه به نام «پاک ترک» متعلق به ترکیه که در پاکستان فعالیت داشت، اعلام کردند خود را از عملیات برنامه‌ریزی و کودتای نافرجام ترکیه مبرا می‌دانند. این اظهارات بعد از آن صورت گرفت که دولت ترکیه، از همتای پاکستانی خود خواست ۱۳ مدرسه را تعطیل کند. گفته می‌شد یک جمعیت خیریه ترکیه‌ای مرتبط با فتح‌الله گولن این مدارس را اداره می‌کرد. یک مقام مسئول در این مدارس و دانشکده‌ها که بیشتر در منطقه «H8» در شهر اسلام‌آباد واقع است، گفت: «ما به‌شدت از شایعاتی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شد، نگران بودیم. در این شایعات سعی می‌شد بین مدارس ما و فتح‌الله گولن پیوندی برقرار شود و ما را به همان تحرک سیاسی تنفرانگیز وصل کنند که اخیرا در ترکیه محکوم شد».

این مسئول افزود علاقه‌مند است به شکلی واضح و روشن، توضیح دهد که سلسله مدارس و دانشکده‌های بین‌المللی «پاک ترک» در پاکستان، هیچ ارتباطی با هیچ شخصی یا حرکتی یا تشکیلاتی اعم از سیاسی یا خیریه‌ای ندارد و ما هیچ رابطه مالی با هیچ طرفی نداریم. او اضافه کرد: «مدیریت این مدارس حق خود می‌داند حتی اقدامات قانونی مناسب را در این رابطه اتخاذ کند».

اما در همان زمان رسانه‌های پاکستانی پُر شده بود از داستان‌هایی که بین این مدارس و یک مؤسسه ترکیه‌ای و فتح‌الله گولن ارتباط برقرار می‌کرد. این در حالی بود که سفیر ترکیه در اسلام‌آباد نیز از دولت پاکستان خواسته بود همه مدارس و شعبه‌های پاک ترک را به دلیل داشتن پیوند با همان دولت موازی، مسدود کند.

سفیر ترکیه و برخی دیگر از مقام‌ها این کشور به صورتی آشکار در خلال دیدارهایشان از پاکستان، خواستار بستن همه این مدارس شدند. در یک اظهارنظر، یکی از مسئولان این مدارس به الشرق الاوسط گفت: «مقامات پاکستانی تا الان از مدیریت مدرسه نخواسته‌اند دست به اقدامی بزنند؛ اما از گزارش‌هایی که در رسانه‌ها منتشر می‌شود و خواستار بستن این مدارس با زور هستند، احساس نگرانی می‌کنند».

در اقلیم کردستان عراق و در بحبوحه جنگ داخلی میان حزب دموکرات کردستان و اتحاد میهنی کردستان مؤسسه آموزش‌وپرورش «فزالر» وابسته به فتح‌الله گولن فعالیت خود را از طریق افتتاح نخستین دبیرستان در شهر اربیل با عنوان دانشکده عشق (ئیشق) یا «نور» به ترکی آغاز کرد و به‌تدریج فعالیت‌های این مؤسسه گسترش یافت و دبیرستان‌ها، مدارس ویژه دختران و پسران، مدارس ابتدایی و مهدهای کودک دیگری نیز تأسیس شد.

باوجود تنش‌های میان اقلیم کردستان و ترکیه در دهه‌های قرن گذشته، فعالیت این مؤسسه آموزشی از این تنش‌ها تأثیری نپذیرفت بلکه برعکس موجب ارتقای آن شد اما کودتای نافرجام و متهم‌شدن جنبش خدمت به دست‌داشتن در آن موجب شد این مدارس در سرتاسر جهان از جمله اقلیم کردستان نیز در معرض خطر بسته‌شدن قرار گیرند.

بر همین اساس، «صفین دزه‌ای»، سخنگوی دولت اقلیم کردستان عراق در اظهاراتی مطبوعاتی گفت اداره مدارس مرتبط با گولن به وزارت آموزش و پرورش این اقلیم سپرده خواهد شد. در همین فاصله، وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی دولت اقلیم کردستان نیز اعلام کرد «هرگونه تصمیم‌گیری که از سوی این وزارتخانه در ارتباط با دانشگاه عشق صادر شود، منفعت دانشجویان و تداوم روند تحصیلی آنها را در نظر خواهد داشت».

طبق آمارهایی که مؤسسه «فزالر» منتشر کرده، حدود ۱۴هزار دانش‌آموز در ۳۳ مرکز آموزشی گولن در عراق مشغول تحصیل هستند. این مراکز در شهرهای اربیل، سلیمانیه، دهوک، سوران، حلبچه، کرکوک، بغداد و بصره فعالیت دارند. حدود ۲۰ مدرسه از مدارس نور وابسته به مؤسسه «فزالر» (از جمله ابتدایی، متوسطه و کودکستان) و دانشگاه عشق که در دو شهر اربیل و سلیمانیه وجود دارد، تعداد ۱۳هزار دانش‌آموز یا دانشجو را در خود جای داده است. این مؤسسه در سال ۲۰۰۸ دانشگاه عشق را تأسیس کرد تا در شش دانشکده مختلف به حدود دوهزارو ۳۵۰ دانشجوی پسر و دختر خدمات آموزشی ارائه دهد.

اکنون برخی منابع در مدیریت مؤسسه «فزالر» می‌گویند سبک و شیوه‌های آموزشی این مؤسسات مانند هر مدرسه دیگری از ابتدای تأسیس تحت کنترل وزارت آموزش‌وپرورش کردستان بوده است.

مصر و سودان

در سال‌هایی که در آن «محمد مرسی»، رئیس‌جمهور پیشین مصر برکنار شد، مدارس ترکیه‌ای «صلاح‌الدین» در قاهره زیر ذره‌بین مقامات مصری قرار گرفت. روابط بین مقامات مصری و ترکیه به‌شدت دچار تنش شد و همین نابهنجاری‌های سیاسی برای ادامه فعالیت این مدارس کافی بود.

درحالی‌که مدارس ترکیه‌ای با شیوه آموزش آمریکایی و «اسلامی» خود تلاش می‌کردند هرگونه رابطه‌ای را با گروه ممنوعه اخوان‌المسلمین مصر تکذیب کنند، مسئله وابسته‌بودن آنها به جنبش خدمت گولن این مدارس را از چنین اتهاماتی مبرا می‌کرد و در عوض صفحه جدیدی از اعتماد را نزد مقامات مصری می‌گشود.

«احمد نظاروف»، مدیر روابط عمومی این مدرسه می‌گوید: «به‌دنبال کودتای نافرجام در آنکارا، مقامات ترکیه از قاهره خواستند این مدارس را ببندند. آنها هرکس یا مؤسسه‌ای را که متهم به حمایت از کودتاگران بود، تحت تعقیب قرار می‌دادند. اما دولت مصر این درخواست را نپذیرفت و تأکید کرد این مدارس طبق معیارهای آموزشی مصر فعالیت می‌کنند و درباره فعالیت‌های آموزشی و مالی آنها هیچ شائبه‌ای وجود ندارد».

این مدارس در چارچوب یک‌سری نهادهایی تأسیس شده بود که بازرگانان ترک با توصیه‌های فتح‌الله گولن و با هدف جمع‌کردن بین شیوه‌های آموزشی آمریکایی و تدریس دروس دینی و حفظ قرآن اقدام به آن کردند.

برای مثال مدرسه صلاح‌الدین در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد. در سال‌های گذشته این مدرسه یک بار به دلیل قطع رابطه سیاسی بین قاهره و آنکارا در پی کودتای ۳۰ جولای ۲۰۱۳ در مصر و حمایت ترکیه از گروه اخوان‌المسلمین که مصر آن را یک گروه «تروریستی» می‌دانست، طعمه برخی آتش‌های سیاسی شد. اما نظاروف که عربی را روان صحبت می‌کند، می‌گوید: «مدارس صلاح‌الدین وابسته به حرکت خدمت بوده اما به لحاظ مالی و اداری مستقل هستند و هیچ ارتباط مستقیمی با گولن ندارند».

«این مدرسه در قاهره جدید واقع در شرق پایتخت قرار دارد و زیر نظر وزارت آموزش‌وپرورش مصر اداره می‌شود. برنامه این مدرسه مانند همه مدارس بین‌المللی با هزینه‌های مالی نسبتا بالا اجرا می‌شود. این تنها مدرسه ترکیه‌ای در کشور ماست».

اما سودان در پی کودتای نافرجام در ترکیه مدرسه بین‌المللی «عبدالله ابن ابی السرح» در خارطوم و یک مدرسه دیگر را که هر دو به جنبش گولن مرتبط بودند، بست. اینها هر دو زیر نظر همان دولت موازی اداره می‌شد و مقرر شد مدیریتشان به یک شرکت خصوصی سودانی واگذار شود. قرار است یک هیأت از وزارت آموزش‌وپرورش ترکیه برای بررسی سرنوشت این دو مدرسه به خارطوم بروند.

«ابراهیم غندور»، وزیر خارجه سودان می‌گوید، «عمر البشیر»، رئیس‌جمهور این کشور دستور بستن تمامی مراکز وابسته به گولن از جمله شرکت‌های اقتصادی وابسته به آن را صادر کرده است. همچنین مقرر شده مدارس اسلامی ترکیه به بخش خصوصی واگذار و زیر نظر وزارت آموزش‌وپرورش اداره شوند. «قریب‌الله خضر»، سخنگوی وزارت خارجه سودان می‌گوید دولت ترکیه از خارطوم خواست مدارس گولن بسته شود. در این دو مدرسه بیش از ۸۰۰ دانش‌آموز از اتباع مختلف که بیشترشان سودانی هستند، تحصیل می‌کنند. وزارت آموزش‌وپرورش سودان گفته بود برای ضررنکردن دانش‌آموزان، مدیریت این مدارس را تغییر داده و به یک شرکت خصوصی که پلی ارتباطی بین دو کشور به شمار می‌رود، سپرده است.

مدارس لندن

درباره مدارس وابسته به فتح‌الله گولن در سراسر جهان دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. «سعید الحاج» پژوهشگر امور ترکیه می‌گوید: «در سال‌های طولانی، این مدارس از حمایت دولت ترکیه ازجمله زمین و اراضی سفارت در خارج برخوردار بوده‌اند؛ زیرا به این نهادها به عنوان قدرت نرم دولت ترکیه نگریسته می‌شد و به بیان دیگر نمایندگان ترکیه در این کشورها به شمار می‌رفتند؛ ازاین‌رو همه‌گونه تسهیلات در اختیار این مدارس گذاشته می‌شد؛ ازجمله بردن دانش‌آموزان به سفرهایی در ترکیه برای حضور در مراسم سالانه (المپیاد زبان ترکی) که دانش‌آموزانی از کشورهای مختلف جهان در آن شرکت کرده و به زبان ترکی شعر و داستان می‌خواندند. این درواقع یک جشن رسمی برای این مدارس بود».

هیأت «شهروندان ضد گروه‌های فشار در مدارس» که در آمریکا فعالیت می‌کند، فهرستی غیررسمی از مدارس وابسته به فتح‌الله گولن در جهان منتشر کرد. در این فهرست میزان حضور دولت موازی در لفاف آموزشی در کشورهای مختلف جهان را نشان می‌دهد. دکتر الحاج می‌گوید: «حتی در دولت‌های خارجی تسهیلات بسیار زیادی به این مؤسسات داده می‌شد؛ زیرا غیرانتفاعی بوده و از مالیات معاف می‌شدند. بسیاری از دولت‌ها به این مدارس بدون هزینه زمین می‌دادند یا می‌بخشیدند. این مدارس در ظاهر به صورت مؤسساتی آموزشی و خدماتی فعالیت می‌کردند». در فهرست یادشده سه مدرسه در بریتانیا ذکر شده است. یکی از آنها که بزرگ‌ترین‌شان است، مدرسه «نورث لندن گرامر» نام دارد و در شمال پایتخت واقع است. در اسناد دولت بریتانیا ثبت شده است که این مدرسه را جمعیت خیریه‌ای تأسیس کرده که «افرادی خاص از نژادهای معین» مدیریت آن را برعهده دارند. وقتی در سال ۲۰۰۶ این مدرسه تأسیس شد، «ویزدم» نام داشت؛ یعنی مدرسه حکمت؛ اما در سال ۲۰۱۴ هیأت امنای آن نام مدرسه را به «نورث لندن گرامر» تغییر دادند.

مشاهده برخی اسناد مربوط به این مدرسه تناقضاتی را آشکار می‌کند؛ برای مثال در جایی آمده است «اکثر دارایی این مدرسه از طریق چند قسط دانش‌آموزی» تهیه می‌شود. حال آنکه حساب‌های مالی بین ۲۰۱۵-۲۰۱۴ نشان می‌دهد که حجم بزرگی از دارایی این مدرسه که به بیش از چهار میلیون پوند می‌رسد، منبعش «اعانات و کمک‌های خیریه» از سوی اشخاص ثروتمند، ولی مجهول بوده است.

برای کشف این ابهامات خبرنگار الشرق‌الاوسط با هیأت مسئول جمعیت‌های خیریه در بریتانیا تماس گرفت. سخنگوی این هیأت گفت: «جمعیت‌های خیریه بریتانیا ملزم به ارائه منبع درآمدهای خود نیستند؛ ولی باید آنها را سالانه ثبت کنند». دراین‌باره الحاج می‌گوید اموال مدارس وابسته به دولت موازی از سه طریق تأمین می‌شود؛ «اول اینکه هزینه مدارس به دلیل تسهیلاتی که می‌گیرند یا حمایت‌هایی که از سوی بازرگانان ترک می‌شود، زیاد نیست. دوم اینکه این مدارس نوعی پروژه‌های سرمایه‌گذاری بوده و شهریه‌هایی را از خانواده دانش‌آموزان می‌گیرند و در همان مسیر هم خرج می‌کنند. مورد سوم و از همه مهم‌تر این است که دولت موازی به یک امپراتوری بزرگ تبدیل شده و دارای نهادهای مالی و رسانه‌ای و شرکت‌های زنجیره‌ای متعددی است که شامل ۹ هزار شرکت در سطح جهان می‌شود». او تأکید دارد که «در کیفرخواستی که بعد از کودتای نافرجام منتشر شد، سرمایه کل این گروه بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار می‌شود. طبعا چنین مجموعه‌ای نباید مشکلی در تأمین سرمایه یک مدرسه داشته باشد. آنها برای خود بانک‌ها و شرکت‌هایی دارند که روی پروژه‌هایی کار می‌کنند؛ از آن گذشته آنها یک امپراتوری بزرگ رسانه‌ای دارند».

درباره شیوه‌های آموزشی مدرسه «نورث لندن گرامر» و نحوه کارکرد آن گفته می‌شود دانش‌آموزان ترک در این مدارس ارجحیت داشته‌اند و نوعی دعوت مستقیم نیز در آن جریان داشته است. وقتی از هیأت ارزیابی مدارس بریتانیا پرسیده شد که تابه‌حال چه تحقیقاتی از این مدارس به عمل آمده، گفتند عملکرد مدرسه «خوب» بوده است. وقتی پرسیده شد راز اموال مدرسه در چیست؟ گفتند از طریق اعانات «بسیار سخاوتمندانه» تأمین شده است و هنگامی که از شخص بنیان‌گذار این مدارس پرسیده شد، کسی جوابی نداد و گفتند که باید دراین‌باره با وزارت آموزش‌وپرورش انگلستان تماس بگیرید. وقتی خبرنگار الشرق‌الاوسط با وزارت آموزش‌وپرورش تماس گرفت، گفتند اینها مدارس خصوصی هستند و تابع این وزارتخانه نیستند و ما بر آنها کنترلی نداریم؛ جوابی که تقریبا شک‌و تردیدهای بیشتری را به میان آورد.

ما درباره هویت شورای مدیریت مدرسه هم تحقیق کردیم تا ببینیم که آیا اعضای آن با سیاست‌های اردوغان مخالفت می‌کنند؛ اما به این مسئله تنها در پیام‌های توییتری یکی از آنها دست یافتیم؛ زیرا در یکی از توییت‌های او عکسی از اردوغان شبیه به هیتلر گذاشته شده بود. وقتی با همین عضو تماس گرفتیم و گفتیم که هویتش را افشا نخواهیم کرد، گفت سؤال‌های شما را به «هاکان گوک»، مدیر مدرسه، ارجاع می‌دهد. وقتی با گوک تماس گرفته شد، او گفت به بعضی از این سؤال‌ها می‌تواند پاسخ دهد.

گوک گفت: «مدرسه وابسته به یک انجمن خیریه است و به دانش‌آموزان فارغ از نژاد و دین کمک می‌کند و سعی می‌کند آموزش متناسب و کاملی را ارائه دهد و بیشتر بر مواردی مانند علوم و ریاضیات تمرکز دارد. با وجود اینکه این مدرسه در ابتدا فقط دانش‌آموزان ترک را جذب می‌کرد؛ اما الان همه‌گونه دانش‌آموز از بیش از ۱۵ کشور جذب می‌کند و ساختمان مدرسه را هم به جایی انتقال داده است که اکثریت ساکنانش را ترک‌ها تشکیل نمی‌دهند».

درباره منابع مالی این مدرسه او گفت اکثرا از طریق اقساط دانش‌آموزان به دست می‌آید. او در توضیح این مسئله گفت اقساط تحصیلی در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۳ و ۲۰۱۵-۲۰۱۴ بیشتر شده است؛ چراکه مدرسه به منطقه جدیدی منتقل شده و ما هزینه‌های بیشتری را متحمل شدیم. درباره محتوای درسی و اینکه به صورت مستقیم آیا کسی دعوت می‌شود، مدیر مدرسه همه را انکار کرد و گفت محتوای درس‌ها بیشتر مواردی علمی است؛ اما الحاج دراین‌باره می‌گوید: «شیوه‌های تدریس در این مدارس به گونه‌ای است که به صورت مستقیم تفکر فتح‌الله گولن را ترویج نمی‌کند؛ بلکه برعکس، حتی در این مدارس به جای زبان ترکی، زبان انگلیسی آموزش داده می‌شود. طبعا اساس این مدرسه‌ها به گونه‌ای است که نه به طور مستقیم یک قدرت نرم برای ترکیه و نه متعلق به یک فکر مشخص باشند».

وقتی از مدیر مدرسه پرسیدیم نظرش درباره دولت موازی چیست، با حرارت گفت که هیچ ارتباطی با گولن ندارد؛ به‌ویژه این روزها در ترکیه به‌شدت متهم به تلاش برای کودتا علیه اردوغان بوده است؛ اما او وقتی به پرسش‌های ایمیلی ما جواب می‌داد، سندی را فرستاد که نشان می‌داد از گولن و مدارس او پشتیبانی می‌کند. در این سند آمده بود: «مدرسه نورث لندن از سوی بازرگانان بریتانیایی مؤمن به تعالیم جنبش حزمت تأسیس شده و برایش کمک به دانش‌آموزان برای یادگیری آموزش‌های برتر اهمیت دارد». در این سند همچنین آمده بود: «آموزش‌های جنبش خدمت به صورت غیرانتفاعی بوده و می‌کوشد زمینه‌ای را فراهم کند تا همزیستی بین همه طیف‌ها و قومیت‌ها را فراهم کند». این تنها مورد از حضور دولت موازی در تشکیلات این مدرسه بود که ما دریافتیم!

درباره دلایل اینکه چرا این مدرسه خود را از جنبش گولن جدا می‌داند، الحاج می‌گوید: «طبعا این دو دلیل دارد؛ یکی ماهیت گروهی است که به صورت کامل تقیه سیاسی می‌کند و گرایش فکری و ایدئولوژیک خود را آشکار نمی‌کند که آنها دائما می‌گویند وابسته به گولن نیستند و خودشان را مدارس ترکیه‌ای درسطح جهان معرفی می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند یک چهره متمدنانه از دولت ترکیه ارائه دهند و درواقع یک قدرت نرم و طرفدار گفت‌وگو و همزیستی و... با دیگران باشند. اینها شعارهای بزرگی است که می‌دهند؛ اما دلیل دوم اینکه این گروه وارد یک مقابله صریح با دولت ترکیه در سال ۲۰۱۳ و اخیرا بعد از کودتای نافرجام شده است. دولت اردوغان به این گروه الان به صورت یک تشکیلات تروریستی نگاه می‌کند و کاملا مراقبشان است. درحال‌حاضر دیپلماسی ترکیه به دنبال بستن این مدارس یا تسلط بر آنهاست؛ ازاین‌رو طبیعی و فهمیدنی است که مسئولان این مدارس هرگونه ارتباط خودشان را با تشکیلات گولن انکار کنند. آنها به این وسیله جانشان را نجات می‌دهند و از پروژه و مدارس‌شان به روشی دیگر محافظت می‌کنند».

نخبگانی به‌غایت پیچیده

آنچه روشن است این است که هیچ‌کس حتی دولت بریتانیا نمی‌تواند منبع مالی یا گرایش این مدارس را مشخص کند. تنها چیزی که روشن است، سری‌بودن عملکرد این مدارس است. در آنها ابهام‌هایی وجود دارد که تنها دولت ترکیه باید آنها را برطرف کند. الحاج می‌گوید: «روش کار جنبش خدمت افزایش تعداد طرفداران و انتخاب نمونه‌های برتر برای عضویت در تشکیلات دولت موازی بوده است. ما آنها را به‌این‌دلیل فراماسونر اسلامی می‌دانیم که می‌کوشد نوابغ هوشمند و ثروتمند را جذب خود کند، نه اینکه آنها را وادارد لزوما به روش خاصی فکر کنند. طبعا این مدارس در بسیاری از کشورها به فرزندان مقامات و سیاست‌مداران و ثروتمندان آموزش می‌دهند و این خود بابی برای ورود به ساختار هر کشوری و نفوذ در آن است یکی از دلایل نگرانی دولت ترکیه نیز همین بود که این مدارس روابط خارجی را سمت‌وسو می‌دادند و از سوی دولت‌های مختلف این دولت موازی حمایت می‌شدند».

این پژوهشگر می‌گوید: «در اینجا نظریه‌ای وجود دارد و آن این است که چنین مدارسی بیشتر در آسیای میانه و آفریقا فعالیت می‌کنند؛ یعنی جاهایی که کمتر تحت سلطه فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی آمریکاست. البته دراین‌باره حرف‌های راست و دروغ زیادی وجود دارد؛ برای مثال مؤسسات وابسته به گولن در ایالات متحده آمریکا در فهرست مؤسساتی است که به سازمان اطلاعات آمریکا کمک می‌کنند. این همکاری قبلا هم وجود داشته و مستند است؛ حتی برای مثال وقتی فتح‌الله گولن برای اقامت در آمریکا به مشکلاتی برخورد کرد، مقامات سابق سازمان اطلاعات آمریکا به او کمک کردند و گفتند او یک رهبر معنوی است که برای گفت‌وگوی ادیان فعالیت می‌کند. خود این هم بُعد دیگری است که دولت ترکیه را نگران می‌کرد؛ البته اولویت دولت ترکیه این نیست. اولویت دولت اردوغان کنترل این مدارس در داخل و خارج است؛ زیرا به باور اردوغان همه این مدارس جایی برای تکثیر و پرورش طرفداران همان دولت موازی به شیوه‌های مختلف است. همین طرفداران هستند که از آن دولت موازی حمایت می‌کنند و آن حرکت از همین دانش‌آموزان است که شهریه‌های گرانی دریافت می‌کند».

الحاج در پایان می‌گوید: «در خارج، قدرت این مدارس در این است که راه را برای ایجاد روابط بین این دولت و دیگر حکومت‌ها باز می‌کند؛ ازاین‌رو دولت ترکیه احساس می‌کند این مدارس کاملا برای عکس منافع آن عمل می‌کنند. حتی مواردی وجود داشت که اینها مسئولان دولتی را شنود کرده بودند. حالا دولت ترکیه این دولت موازی را متهم به آن می‌کند که اطلاعات جمع‌آوری کرده و در اختیار بیگانگان گذاشته است. منظور از بیگانگان در اینجا به طور مشخص اسرائیل و آمریکاست».

منبع: الشرق‌الاوسط

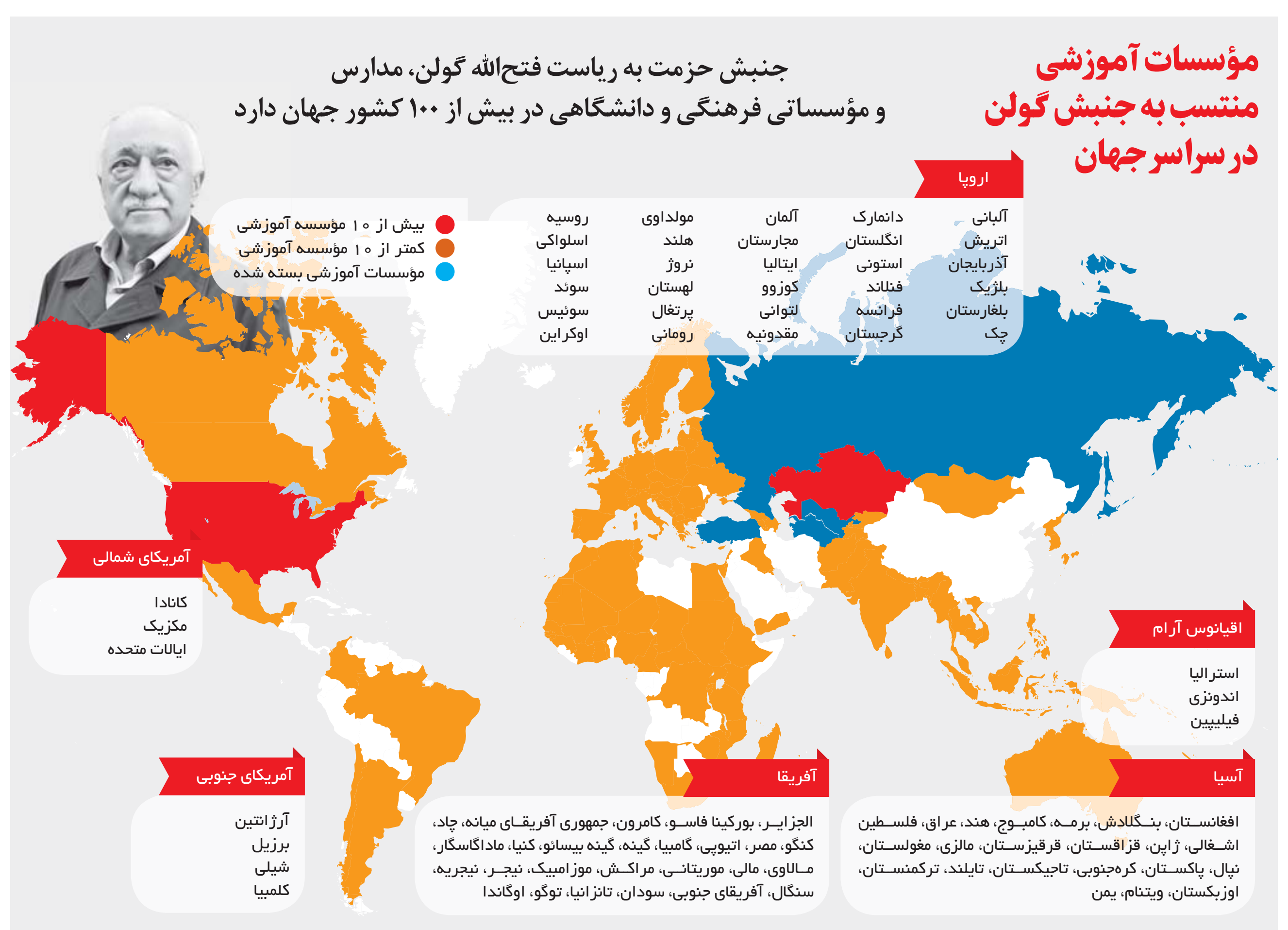

یادداشت

انتخابات آلمان، یک هشدار جهانی

اردشیر زارعی‌قنواتی

تحولات آلمان از روزی که «آنگلا مرکل» صدراعظم این کشور طرح پذیرش گسترده مهاجران را کلید زد، به مسیر متفاوتی جهت یافت که قربانی اصلی آن بانوی آهنین بود. پذیرش مهاجران در شرایطی رقم خورد که بی‌ثباتی در شاخ آفریقا و خاورمیانه به‌خصوص در کشور جنگ‌زده سوریه، افکار عمومی جهانی را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده بود و ترکیه نیز برای باج‌خواهی از اروپا طرح سوپاپ پناه‌جو به مرزهای شنگن را دنبال می‌کرد. تصاویر کودکان و زنان غرق‌شده در دریای مدیترانه و دریای اژه که در تصویر مرگ «آیلان کردی» کودک سه‌ساله سوری که به همراه برادر و مادر خود در این آب‌ها غرق شده و جسد وی به ساحل رسیده بود، چنان وجدان عمومی بشریت معاصر را تکان داد که تلنگری سخت هم بر افکارعمومی و اعمال سیاست‌مداران زد. در این شرایط مرکل دست به بزرگ‌ترین قمار زندگی سیاسی خود زد که شاید در یک طنز تلخ بتوان گفت «تنها تصویر انسانی صدراعظم سرسخت و انعطاف‌ناپذیر آلمان بود» که هرچند برای وی در بین پناه‌جویان و جهانیان احترام به همراه داشت ولی در آلمان به «پاشنه آشیل» وی تبدیل شد. هجوم پناه‌جویان در شرایطی که اروپای به‌ظاهر متحد سخت در هراس از تروریسم بنیادگرای اسلامی بود، به همراه وقایعی جناحی از جمله حادثه «کلن» که تعدادی پناه‌جو به زنان آلمانی تعرض جنسی کردند، به‌تدریج خشم ژرمن‌ها را برانگیخت.

انتخابات پارلمانی ایالت «مکلنبورگ ـ فورپومرن» در روز یکشنبه چهارم سپتامبر در چنین وضعیتی برگزار شد و نتایج آن نشان داد که آلمان و اصولا اروپای امروز در انتخاب بین دموکراسی و حقوق بشر در مقابل امنیت، به انتخاب دومی گرایش دارد. نتایج اولیه این انتخابات محلی نشان داد که حزب سوسیال‌دموکرات با ازدست‌دادن پنج درصد از آرای دور قبلی حدود ۳۰,۵ درصد آرا را به عنوان حزب پیروز کسب کرده است. حزب دموکرات مسیحی مرکل با ازدست‌دادن چهار درصد آرای قبلی و کسب ۱۹,۲ آرا در مکان سوم قرار گرفت که برای اولین‌بار آنان را پایین‌تر از یک حزب نوظهور راست‌گرا و مهاجرستیز قرار می‌دهد. حزب چپ آلمان با افت شش‌درصدی تنها توانست به ۱۲,۵ درصد آرا دست یابد و حزب سبز نیز با افت حدود چهاردرصدی در مرز کسب حد نصاب پنج‌درصدی قرار داشته است. اما در این میان اتفاقی که شوک بزرگی بر جامعه آلمان و حتی آینده اروپایی وارد کرده است، پیروزی بزرگ حزب راست مهاجرستیز «آلترناتیو برای آلمان» با کسب رأی ۲۱درصدی بود که زنگ خطر را برای تمام احزاب سنتی چپ و راست میانه به صدا درآورده است. از آنجا که ایالت مکلنبورگ – فورپومرن حوزه انتخابیه شخص مرکل است، این نتایج بیش‌ازپیش بر دوش صدراعظم سنگینی می‌کند و نشان از توفانی دارد که احتمالا برای انتخابات سراسری آینده در راه است. هرچند این نتایج هیچ خطری برای یک دولت ایالتی معتدل ایجاد نمی‌کند و حزب سوسیال‌دموکرات با دو گزینه ائتلاف با حزب دموکرات مسیحی یا ائتلاف با جناح چپ و سبزها هم‌چنان قادر به تشکیل دولت است ولی اقبال عمومی به حزب افراطی آلترناتیو برای آلمان که هم‌اکنون در ۹ ایالت این کشور توانسته است فراکسیون پارلمانی خود را تشکیل دهد، هشداری بود که باید صدای آن به‌درستی شنیده شود.

بدون تردید پیروزی راست‌گرایان افراطی در انتخابات اخیر تا حدود زیادی به موضوع مهاجرت و نارضایتی بخشی از مردم آلمان از هجوم این سیل به کشورشان ارتباط دارد ولی این تنها بخشی از مشکل بزرگی است که این کشور و اتحادیه اروپایی هم‌اکنون با آن روبه‌رو است. چنانچه تصویر کنونی آنچه روز یکشنبه در یک ایالت کوچک آلمان اتفاق افتاد، در یک قاب بزرگ‌تر نگاه شود، مشخص می‌شود که گرایش به راست افراطی و گرایش‌های ناسیونالیستی دامنه‌ای به وسعت تمام اروپا و امروز حتی در ایالات متحده آمریکا داشته است که به پدیده «دونالد ترامپ» در کارزار انتخاباتی واشنگتن مانند حلقه‌های یک زنجیر واقعیت آن را نشان می‌دهد. اینکه تصور شود در چند سال میراث چندصدساله دوران روشنگری و رنسانس اروپایی به دلیل تنها یک موضوع (مهاجرت) یکباره فرو می‌ریزد، بسیار خام‌اندیشانه و گمراه‌کننده خواهد بود. جهان کنونی هم‌اکنون وارد دورانی از «آنارشی» شده است که هم‌زمان یک زنجیره از موضوعات رانشی نظام جهانی و ملی را دچار اخلال کرده است. از یک طرف سلطه بلامنازع نئولیبرالیسم اقتصادی موجب نارضایتی و مخالفت با وضع موجود شده است که بخش بزرگی از طبقات اجتماعی را به واسطه ازدست‌دادن امتیازات زیستی خود سرخورده کرده است. از طرف دیگر اهداف نوامپریالیستی قدرت‌های بزرگ برای جنبش‌های ژئوپلتیک باب میل خود منجر به بی‌ثباتی مزمنی در حوزه‌های بزرگ منطقه‌ای شده که پدیده مهاجرت نوین، تروریسم بین‌المللی، تضاد نیروی کار بومی با رقیب ارزان نیروی کار وارداتی و گسترش شکاف‌های طبقاتی را به همراه داشته که تهدیدی برای نظم جهانی و رفاه ملی بوده است. در واقع تجمیع تمام این شرایط آنارشیک است که امروز از خاورمیانه تا اروپا و در امتداد آن تا آمریکای شمالی را تحت‌تأثیر خود قرار داده و موجبات عکس‌العمل سلبی را در جوامع ملی فراهم کرده است. صدای پای قدرت‌گرفتن راست افراطی و ناسیونالیسم انزواطلب هم‌اکنون دقیقا مشابه سال‌های دهه ۳۰ میلادی است که از درون آن فاشیسم متولد شد. تمرکز سیاست‌مداران سنتی بر تنها یکی از وجوه بحران هرچند ساده‌کردن معضلات است ولی در آینده پیامدهای جبران‌ناپذیری خواهد داشت. بزرگ‌ترین خطای دموکراسی لیبرال از اروپا تا آمریکا در آنجا رقم خورد که بعد از فروپاشی شوروی به عنوان رقیب ایدئولوژیک در رؤیای «پایان تاریخ» تمام سعی خویش را مبذول به حذف اندیشه چپ خود کرد. این در حالی بود که به تجربه تاریخ همواره در مقابل وضع موجود باید یک اپوزیسیون مشروع و تابع قراردادهای اجتماعی مدرن وجود داشته باشد که متأسفانه امروز به دلیل به‌حاشیه‌راندن بدیل چپ دموکراتیک جای آن را پدیده‌های مهاجرستیزی، تروریسم، ناسیونالیسم افراطی، نژادپرستی و فرقه‌گرایی گرفته است. تا زمانی که غرب به عنوان قدرت هژمونیک نظم نوین جهانی به افسارزدن به نئولیبرالیسم افراطی و قطع دخالت‌های مخرب ژئوپلیتیک مبادرت نکند، تبعات و نتایج ویرانگر این نظم نوین موجود، زایش راست افراطی، تروریسم بین‌المللی، تشدید نژادپرستی و اصولا بی‌ثباتی در جهان خواهد بود.